

وضعیت شیعیان در زمان امام جواد علیه السلام

شمانله قنبر^۱

چکیده

مسلمانان به اهل بیت علیهم السلام و مقام ویژه امامان شیعه ارادتی خاص دارند، اما دولتهایی که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به وجود آمدند اعمال خشن و سرکوب گرانه‌ای برضد خاندان آن حضرت و شیعیان آنها انجام دادند. اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با خلفای عصر خود موضع گیری‌های حساب شده‌ای داشتند و تلاش می کردند باوجود احساسات تند برخی از شیعیان تا حد امکان از درگیری و درافتادن با استبداد مطلق خلفا پرهیز کنند که نتیجه‌ای جز کشته شدن خود و شیعیانشان نداشت. باوجود این هر یک از امامان با توجه به اوضاع اجتماعی و نیاز فرهنگی زمان خود بر جوانبی خاص از اندیشه‌ها و آموزش‌های دینی تأکید داشتند. عباسیان با استفاده از محبوبیت و جایگاه رفیع خاندان رسالت کرسی خلافت اسلامی را به دست گرفتند، اما پس از رسیدن به قدرت برای قوام و دوام بیش تر حکومت اقداماتی برضد شیعیان انجام دادند. رویارویی شیعیان با عباسیان در دو گروه امامی و زیدی و با دو راهبرد متفاوت قیام و تقیه پی گیری شد. در دوره مأمون به دلیل گستردگی فعالیت شیعیان و نیاز وی به حمایت آنها نخستین بار از یک رهبر شیعی در منصب ولایت عهدی استفاده شد، اما طولی نکشید که امام رضا علیه السلام توسط عباسیان شهید شد. خردسال بودن امام جواد علیه السلام در زمان کسب مقام امامت، ایجاد اختلاف بین شیعیان در تعیین امام علیه السلام، هم زمانی دوره امامت ایشان با شکل گیری و توسعه سیستم وکالت و حضور و فعالیت فرقه‌های متعدد شیعه عصر امامت امام جواد علیه السلام (۲۰۳-۲۲۰) را به یکی از دوره‌های مهم تاریخ اهل بیت علیهم السلام و شیعیان تبدیل کرد. خلفای عباسی برای جلوگیری از اقدامات آن حضرت و رشد شیعیان راهکارهای مختلفی استفاده کردند. امام جواد علیه السلام نیز در برابر اقدامات آنها راهبردی هوشمندانه در پیش گرفت. پژوهش حاضر وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شیعیان در عصر آن حضرت و چگونگی ارتباط امام علیه السلام با آنها را بررسی می کند.

واژگان کلیدی: امام جواد علیه السلام، شیعه، وضعیت سیاسی، وضعیت فرهنگی، وضعیت اجتماعی.

۱. دانش پژوه کارشناسی تاریخ اسلام، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از پاکستان.

۱. مقدمه

بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام جایگاه اهل بیت علیهم السلام در میان مردم کانون توجه قرار گرفت و احساسات آنها به اهل بیت علیهم السلام متمایل شد و موجب تنفر و نافرمانی مردم از عباسیان شد. بیش از این نیز منصور وارد درگیری سیاسی و نظامی با اهل بیت علیهم السلام و دوستداران آنها شده بود و با به شهادت رساندن افرادی مانند محمد نفس زکیه و برادرش احساسات شیعیان به ویژه دوستداران اهل بیت علیهم السلام را ضد عباسیان برانگیخته بود و موجبات نافرمانی بیش تر از عباسیان را فراهم کرده بود. علاوه بر شیعیان عراق و تحرکات سیاسی آنها مهمترین خطری که عباسیان با آن مواجه بودند وجود شخصیت های برجسته ای از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه، کوفه و بصره بود، پس مأمون به- ناچار به ولایت عهدی امام رضا علیه السلام روی آورد. در پی این اقدام بسیاری از قیام هایی که توسط اشخاص برجسته اهل بیت علیهم السلام صورت می گرفت یا در مبارزه با مأمون از بین رفت و یا آرام شد. با شهادت امام رضا علیه السلام اوضاع سیاسی جامعه و آینده پیش روی اهل بیت علیهم السلام و پیروانشان بسیار سخت و شکننده تر شد. اضطرابی که پس از شهادت امام رضا علیه السلام در میان شیعیان پدید آمد موجب تشدد و گرایش عده ای از شیعیان به عبدالله بن موسی برادر امام رضا علیه السلام شد. آنها ابتدا رهبری او را پذیرفتند، اما به زودی دریافتند که وی توانایی پاسخ گویی به سؤالات آنها را ندارد و وی را ترک کردند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۴۲۹/۲) جمعی از شیعیان بر امام کاظم علیه السلام توقف کردند و دسته ای دیگر امامت احمد بن موسی علیه السلام را پذیرفتند. گرایش عده ای از شیعیان به اشخاصی مانند عبدالله و احمد بن موسی علیهم السلام نشانه آشکار از پدید آمدن تزلزل داخلی در میان جمعی از شیعیان است. مسئله دیگر برای جامعه شیعه سیاست های خشن و بی رحمانه عباسیان در برابر شیعیان و از طرفی فعالیت گسترده فرقه های اسلامی بود که نبود یک رهبر سیاسی- اجتماعی در این موارد ممکن بود سبب فروپاشی شیعیان و پیروان مکتب امامیه باشد. بنابراین، امام جواد علیه السلام و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام با سه مشکل اساسی تفرقه شیعیان پس از امام رضا علیه السلام، فشار عباسیان بر شیعیان و اقدامات فرقه های دیگر روبه رو بودند. چگونگی حل این مشکلات و نحوه برخورد با آنها پرسش اصلی نوشتار حاضر است که سعی شد با روش توصیفی- تحلیلی چگونگی تبدیل فضای بحرانی به نوعی فرصت برای رشد و ارتقای مذهبی و اجتماعی شیعیان تبدیل شود. این تصویر سازی با هدف نمایان کردن وضعیت اهل بیت علیهم السلام و حاکمیت در عصر امام جواد علیه السلام با بررسی چهار مورد حساس عصر ایشان و نقش آن حضرت در برابر مخاطبان و گروه های مختلف سیاسی، مذهبی و اجتماعی انجام می شود.

۲. زندگی نامه امام جواد علیه السلام

۱-۲. ولادت

نهمین امام شیعیان محمد است که القاب و کنیه‌های فراوانی دارد. مشهورترین لقبش جواد و هادی است و معروف‌ترین کنیه‌اش ابوجعفر. امام جواد علیه السلام در ۱۰ ماه رجب سال ۱۹۵ هجری قمری در مدینه به دنیا آمد. (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۱۳) پیش‌گویی ولادت امام جواد علیه السلام از زبان پدرش چندین بار مطرح شده بود. ولادت امام جواد علیه السلام مانند ولادت دیگر ائمه و ویژگی‌های خاصی داشت. نام مادر امام جواد علیه السلام خیزران زنی از خاندان ماریه قبطیه و یکی از همسران رسول خدا ﷺ بود (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۴۷۳). دوران کودکی امام جواد علیه السلام از شیرخوارگی تا زمانی که در سن هفت سالگی به امامت رسید با حوادث گوناگونی آمیخته است. با شهادت امام رضا علیه السلام و به امامت رسیدن امام جواد علیه السلام در کودکی یکی از موضوعاتی که حتی برخی از یاران امام هشتم علیه السلام را دچار شک و تردید کرد سن کم امام جواد علیه السلام برای مقام امامت بود. به همین دلیل در برخی موارد امام رضا علیه السلام و در موارد دیگر خود امام جواد علیه السلام آن را تبیین می‌کردند و به شبهه‌ها پاسخ می‌گفتند. اگرچه امام جواد علیه السلام نسبت به دیگر امامان در سن بسیار کمی به امامت رسید، اما دوران هفده ساله امامت او دورانی طولانی و پرحادثه بود. امام جواد علیه السلام به دلیل قابلیت، لیاقت و بهره‌مندی از موهبت الهی جایگاه بلندی در پیشگاه خداوند، پیامبر اکرم ﷺ و پدرش و تمام کسانی که بهره‌ای از شناخت امام علیه السلام دارند، داشت. اگرچه دشمنان دین و حاکمان معاصر امامان معصوم علیهم السلام همواره به دنبال توطئه، سرکوب و تحقیر آنها بودند، اما حقانیت، صداقت و نورانیت امامان شیعه پیوسته نقشه‌های دشمنان را خنثی و بی‌تأثیر می‌کرد و در برخی موارد حتی دشمنان تحت تأثیر وجود پربرکت آنها قرار می‌گرفتند.

۲-۲. ازدواج

امام جواد علیه السلام با هوشمندی و درایت مخصوصی در برخورد با حاکم ستمگر عباسی که قاتل پدرش، امام رضا علیه السلام، بود به گونه‌ای عمل کرد که مأمون نیز افتخار خود را در انتخاب او برای ازدواج با دخترش ام فضل می‌دید. در دوران زندگی مشترک امام جواد علیه السلام با ام فضل حوادث گوناگونی اتفاق افتاد. همسر دیگر امام جواد علیه السلام سمانه مغریبه مادر امام هادی علیه السلام است. امام جواد علیه السلام مانند امامان دیگر با بهره‌مندی از علوم و معارف ناب

توحیدی و دریافت حقایق از عوالم بالا در صحنه‌های مختلف گوشه‌هایی از اقیانوس نامتناهی علم و حکمت خود را در زندگی سراسر رحمت خود به نمایش گذاشته است. دفتر زندگی امام علیه السلام مانند دیگر ائمه معصوم علیهم السلام پر است از برگ‌هایی زرین از مکارم اخلاق، مناقب و معجزات، استجاب دعاها، ارتباط متواضعانه، صمیمانه و هم‌دردی با اصحاب و یاران. زندگی پربرکت امام جواد با نقشه معتصم، حاکم ستمگر عباسی، و دخالت مستقیم ام فضل همسر آن حضرت پایان یافت. آن حضرت در تاریخ ۲۲۰ هجری قمری به شهادت رسید و در کنار قبر جد بزرگوارش حضرت امام موسی کاظم در کاظمین به خاک سپرده شد. سخنان به یادگار مانده از امام جواد علیه السلام در موضوعات مختلف هریک به صورت مشعلی فروزان تا ابدیت فراسوی راه انسان‌ها می‌درخشد و در بزرگراه کمال و سعادت حق را روشنی می‌بخشد. سخنان آن حضرت درباره جد گرامی‌اش رسول صلی الله علیه و آله و سلم و مادرش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و پدرش امام رضا علیه السلام نشان‌گر محبت و علاقه عمیق آن حضرت به این بزرگان است. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۱۵؛ جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۳۷۶-۳۸۲؛ پیشوایی، ۱۳۸۴، ص ۵۲۷)

۳. شیعه

شیعه در لغت به معنای پیروان و یاران کسی یا به معنای گروهی است که بر سر امری اجتماع کنند. این واژه اگر چه مفرد است و جمع آن شیع و اشیاع است، اما در تنبیه، جمع، مفرد و مذکر نیز کاربرد یکسانی دارد. در اصطلاح به پیروان امام علی علیه السلام شیعه می‌گویند. از نظر وسعت به کیسانیه، زیدیه، امامیه (اثنی عشریه)، اسماعیلیه و گروه‌های واقفیه شیعه می‌گویند. (معین، ۱۳۶۰، ۲۹۲/۱) ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: «این اسم به صورت غالب به کسانی گفته می‌شود که امام علی علیه السلام و پیروانش را مولای خود می‌دانند به حدی که این کلمه به صورت اسم خاص برای آنها درآمده است» (ابن منظور، ۱۴۱۶، ۲/۲۱۱۳). ابوالحسن اشعری می‌گوید: «به آنان شیعه گفته‌اند؛ زیرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام را مشایعت کرده است و او را بر دیگر اصحاب رسول خدا مقدم داشته‌اند» (اشعری، ۱۴۰۵، ص ۶۵). نوبختی و اشعری قمی چنین عنوانی را ویژه دسته‌ای می‌دانند که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همراه و معتقد به امامت و جانشینی حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند (نوبختی، ۱۳۵۵، ص ۱۷). در تعریف‌های دیگری از شیعه علاوه بر اعتقاد به برتری امامت حضرت علی علیه السلام تنصیب به امامت آن حضرت از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان مبنای پذیرش این اعتقاد ذکر شده است. برای نمونه شیخ طوسی ویژگی شیعه و وجوه امتیاز

آن را اعتقاد به امامت حضرت علی علیه السلام براساس اراده الهی و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند. وی با تأکید بر این ویژگی دیدگاه شاخه سلیمانیه از فرقه زیدیه را که باوجود پذیرش برتری امام علی علیه السلام بر دیگر اصحاب اعتقادی به منصوص بودن امامت آن حضرت نداشتند خروج از تشیع دانسته است و آنها را غیر شیعی می‌داند. شهرستانی می‌گوید:

شیعیان کسانی هستند که امام علی علیه السلام را به صورت ویژه همراهی کردند و به امامت و خلافت او به استناد نص و وصیت خواه روشن و آشکار و خواه پنهانی پیوستند و گفتند امامت از فرزندان او بیرون نمی‌رود و اگر بیرون رود یا به ستم ازسوی دیگران یا به تقیه ازسوی امام است. (شهرستانی، ۱۴۱۵، ۱/۱۴۳)

اگرچه شیعه فرقه‌های مختلفی دارد، اما هرگاه کلمه شیعه در این تحقیق بدون قرینه به کار رود منظور شیعه دوازده امامی آنهاست. (فرمانیان، ۱۳۸۷، ص ۵۰-۷۰)

۴. چگونگی تفرقه شیعیان و مواجهه امام جواد علیه السلام با شبهات

پس از شهادت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ امام جواد علیه السلام تنها فرزند پسر آن حضرت درحالی به امامت رسید که بیش از هشت سال نداشت. باتوجه به اینکه نخستین باری بود که در میان امامان فردی با این سن به امامت می‌رسید شبهه جامعه شیعه از ابتدای امامت ایشان سبب شد تا برخی از شیعیان به واقفیه و سایر گروه‌ها بپیوندند، اگرچه با پاسخ‌های امام جواد علیه السلام عده زیادی برگشتند و امامت حضرت را پذیرفتند. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۱۵) این نکته جالب توجه است که امام رضا علیه السلام امامت امام جواد علیه السلام را اعلام کرده بود (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸/۵۰). برای نمونه در برابر اشاره برخی اصحاب به سن کم فرزندان آنها را به نبوت حضرت عیسی علیه السلام در شیرخوارگی توجه دادند و فرمودند: «سن عیسی علیه السلام هنگامی که نبوت به ایشان داده شد کمتر از عمر فرزند من بوده است» (نیشابوری، بی‌تا، ص ۲۰۳). شیعیان پس از شهادت امام رضا علیه السلام در نگرانی و اضطراب عمیقی فرورفتند و میان آنها اختلاف پیش آمد. وضعیت به-اندازه‌ای بحرانی بود که عده‌ای در خانه عبدالرحمان بن حجاج از این وضع ناله سر دادند. این حادثه علاوه بر آنکه می‌توانست در روابط داخلی شیعیان اختلال ایجاد کند مقدمه‌ای بود که جایگاه تشیع در میان فرقه‌های دیگر اسلامی تغییر کند و موجب تحولات و تغییرات فکری و عقیدتی شود. مسئله مهم آن است که در این موقعیت متفکران و متکلمان شیعه و حتی عموم

شیعیان به خوبی از موضوع و مسئله امامت آگاه بودند و می دانستند عصمت، طهارت از پلیدی ها و داشتن علم لدنی از ویژگی های امام علیه السلام است؛ بی شک شیعیان از دشمنان مهم عباسیان بودند.

فرهنگی که شیعیان به پیروی از اهل بیت علیهم السلام دنبال می کردند، اسلامی بود و مردم نیز اگر چه در فشار عباسیان سکوت می کردند در عمق وجود خود می توانستند حق اهل بیت علیهم السلام را از باطل خلقای عباسی تشخیص دهند. عباسیان به شکل های مختلفی با اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها برخورد می کردند؛ از روش سازش کارانه گرفته تا سخت گیری های بسیار گسترده و خشن، البته برخورد دوم بسیار وسیع، پردامنه و بی رحمانه بود. عباسیان این واقعیت را به خوبی درک می کردند که حاکمیت آنها جز با سیاست سرکوبی اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها پابرجا نمی شود. بنابراین، با تمام وجود با اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها مقابله کردند. این دو خصوصیت باید به وسیله نص توسط امام قبلی معلوم می شد. وقتی امامت فردی مشکوک باشد، بهترین وسیله برای شناخت وی آزمایش ادعاکننده از طریق پرسش های فقهی و اعتقادی است. این مورد برگ برنده ای در دست شیعیان بود و سبب می شد تا خیلی زود دروغ مدعیان امامت آشکار شود چنان که دروغ بودن ادعای امامت عبدالله افطح پسر امام صادق علیه السلام و یا جعفر پسر امام هادی علیه السلام با همین معیار فاش شد. در زمان امامت امام جواد علیه السلام نیز با آنکه شیعیان به مسئله امامت از جنبه الهی آن نگریستند و نص نیز بر امامت حضرت وجود داشت به دلیل خردسال بودن حضرت اصرار داشتند تا این وجهه الهی در علم و دانش امام علیه السلام بروز یابد، پس با تکیه بر همین معیار با طرح سؤالاتی ایشان را آزمودند. (کلینی، ۱۳۶۳، ۴۹۳/۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۳۸۲/۴)

مهمترین حرکت شیعیان در این فضا تردیدی بود که از ناحیه علمای بغداد ظهور کرد. جمعی از شیعیان مانند ریان بن صلت، صفوان بن یحیی، محمد بن حکم و یونس بن عبدالرحمان به همراه برخی از بزرگان و علمای شیعه تصمیم گرفتند که هنگام حج به حضور امام جواد علیه السلام برسند و از نزدیک از ایشان سؤالاتی کنند. به گفته سید مرتضی بیش از هشتاد نفر از فقهای بغداد و شهرهای دیگر هنگام سفر حج برای برطرف کردن تردید خود به مدینه رفتند و در منزل معروف امام صادق علیه السلام به محضر امام جواد علیه السلام رسیدند و به پاسخ های متبحرانه و قانع کننده ایشان رسیدند. (بحرانی، ۱۴۱۱، ۴۰۸/۲) برخی معتقدان به امامت حضرت، سن کم ایشان را

یادآور شدند و آن حضرت به جانشینی حضرت سلیمان علیه السلام از حضرت داوود علیه السلام اشاره کردند و فرمودند: «حضرت سلیمان علیه السلام هنگامی که هنوز کودکی بیش نبود و گوسفندان را به چرا می برد، توسط حضرت داوود علیه السلام به جانشینی انتخاب شد درحالی که عباد و بزرگان علمای بنی اسرائیل این کار داوود علیه السلام را انکار می کردند» (کلینی، ۱۳۶۳، ۱/۳۸۳). به این ترتیب با پاسخ ها و مدیریت علمی امام جواد علیه السلام بیشتر شیعیان امامت حضرت را پذیرفتند و در برابر ایشان تسلیم شدند. برای نمونه با آنکه عموی پدر ایشان علی بن جعفر از علمای بزرگ شیعه بود و منزلتی والا نزد مردم داشت در برابر علم امام جواد علیه السلام چنان تواضع داشت که برخی متعجب شدند بر او خرده گرفتند. با این حال وی همواره در برابر آنها بر درستی رفتار خود تأکید می کرد. در این بین شبهات دیگری نیز در این دوره برای شیعیان طرح شد و گاه بسیار مهم جلوه می داد و امام به تمام این مسائل با قوت پاسخ می داد. برای نمونه شیعیانی که به امامت امام جواد علیه السلام معتقد شده بودند در مورد اینکه مصدر و منبع علم ایشان چیست، اختلاف کردند. برخی گفتند آن حضرت علوم خود را از کتاب های پدرانش و اصول و فروعی که در آنها نوشته شده است، می آموزد. عده ای دیگر معتقد بودند که آن حضرت علم خود را از پدرش یاد نگرفته است؛ زیرا وقتی چهار سال و چند ماه داشت پدرش به خراسان رفت و دیگر با ایشان رابطه نداشت، اما هنگام بلوغ ایشان خداوند وسایل و اسباب علم مانند الهام و آگاهی قلبی و رؤیای صادقه و غیره را برای او فراهم کرد. گروه سوم نیز معتقد بودند که ممکن است ایشان علم خود را از هر دو راه پیشین به دست آورد (نویختی، ۱۳۵۵، ص ۸۹). درباره محدوده صلاحیت امام جواد علیه السلام نیز اختلاف است. گروهی معتقد بودند آن حضرت از زمان شهادت پدرش واجب الاطاعه هست و چون در صلاحیت هر یک از ائمه هست در صلاحیت ایشان نیز خواهد بود و خردسالی ایشان مانع از پرسش از حضرت درباره حوادث و وقایع و اقتدا بر ایشان در نماز نمی شود. این گروه بیشتر شیعیان بودند. دسته ای دیگر می گفتند که آن حضرت از زمان شهادت پدرش امام هست، ولی اقتدا به ایشان در نماز صحیح نیست بلکه اجرای احکام را شخص دیگری از اهل فقه و دین و تقوا باید برعهده بگیرد تا ایشان بالغ شود. یکی از مسائلی که از تحلیل شواهد یادشده به دست می آید این است که این نوع از اختلافات در مصدر علم حضرت و محدوده صلاحیت ایشان نشان دهنده عدم تأثیر سن کم امام جواد علیه السلام است و از طرفی پاسخ گویی مناسب ایشان به شبهات و پرسش های آنهاست (بحرانی، ۱۴۱۱، ۲/۴۰۸؛ کلینی، ۱۳۶۳، ۱/۲۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۰/۳۶).

۴-۱. فرقه‌های شیعی و عملکرد امام جواد علیه السلام

در عصر امام جواد علیه السلام شیعیان به فرقه‌های متعددی تقسیم شدند و هریک به‌نوعی فعالیت می‌کردند و در پی جذب دیگر مسلمانان بودند. آن حضرت مانند دیگر امامان، شیعیان را از ارتباط با فرقه‌های منحرف باز می‌داشت و علاوه بر آنکه به مسائل آنها پاسخ می‌داد افرادی که به‌سوی آنها متمایل می‌شدند را با سخنان خود هدایت می‌کرد و امامیه را نیز تقویت می‌کرد.

۵. روش‌های مواجهه‌شدن امام علیه السلام و تقابل امامیان و فرقه‌های دیگر

۵-۱. نفی اندیشه‌های غلات و بیرون راندن آنها از جمع شیعیان

غلات در دوره امام جواد علیه السلام نقشی اساسی در تحولات مذهبی داشتند. آنها علاوه بر آنکه موجب بدنام کردن شیعه شده بودند، روایاتی را به نام ائمه جعل می‌کردند و به‌وسیله آن شیعیان را منحرف می‌کردند. امام جواد علیه السلام در اقدامی سنجیده بر نفی موضع غلات و اندیشه‌های فاسد و خنثی کردن آثار اندیشه‌های آنها در میان شیعه سعی می‌کرد. از طرف دیگر نیز موقعیت عالمان و راویان شیعه را در برابر رؤسای غلات تأیید می‌کرد. برای نمونه در مورد ابوالخطاب که از سران غلات بود، فرمود: «لعنت خداوند بر ابوالخطاب و اصحاب او و کسانی که در این باره توقف یا تردید کنند» (طوسی، ۱۴۰۴، ص ۵۲۸). حضرت به‌شدت تهاجم آنها توجه داشت و سخت‌ترین برخورد را با این گروه داشت چنان‌که حتی به اسحاق انباری فرمود تا به‌نحوی دو تن از بزرگان غلات یعنی، ابوالمهری و ابن ابی الزرقا را بکشد. در زمان امامت ایشان نیز این افراد با سوء استفاده از سن کم امام علیه السلام تصور می‌کردند که می‌توانند بر امور جامعه مسلط شوند و هرطور که خواستند، عمل کنند. آن حضرت این خطر را احساس کرد و آنها را طرد کرد. ابو عمر جعفر بن وافد و هاشم بن ابی هاشم از جمله این افراد بودند که امام جواد علیه السلام درباره آنها فرمود: «خداوند آنها را لعنت کند؛ زیرا به اسم ما از مردم اخاذی می‌کنند و ما را وسیله دنیای خود قرار داده‌اند» (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۴۹۰؛ پیشوایی، ۱۳۸۴، ص ۵۳۹).

۵-۲. هدایت چهره‌به‌چهره و دادن راهکار برای جلوگیری از انحرافات

از اقدامات مهم امام علیه السلام بصیرت‌افزایی برای مقابله با انحراف افراد یا گروه‌های مختلف بود. محمد بن سنان از کسانی بود که در محبت اهل بیت علیهم السلام زیاده‌روی می‌کرد. سنان روزی به محضر امام جواد علیه السلام

رسید و مسائلی مانند اختلافات شیعیان را مطرح کرد. برخورد امام جواد علیه السلام با او نشان‌دهنده تلاش ایشان برای حفظ افراد در دایره امامی مذهبیان است. امام علیه السلام به وی فرمود:

ای محمد! خداوند قبل از هر چیز نور پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام را خلق کرد، سپس اشیاء و موجودات دیگر را آفرید و طاعت اهل بیت علیهم السلام را بر آنها واجب کرد و امور آنها را در اختیار اهل بیت علیهم السلام قرار داد. بنابراین، فقط آنها حق دارند چیزی را حلال و چیزی را حرام کنند و حلال و حرام ایشان نیز به اذن و اراده خداوند است. ای محمد! دین همین است و کسانی که جلوتر بروند، منحرف شده‌اند و کسانی که عقب بمانند پامال و ضایع می‌شوند. تنها راه نجات همراهی با اهل بیت علیهم السلام است و نیز باید همین راه را طی کنی. (کلینی، ۱۳۶۳، ۴۴/۱)

از اقدامات امام علیه السلام تلاش برای جلوگیری از انحراف شیعیان با روایات جعلی است. آن حضرت به مناسبت‌های گوناگون بر این مطلب تأکید می‌کرد. چنان‌که در جلسه‌ای فرمود:

هرکس از روی عمد بر من دروغ ببندد، جایگاهش در آتش است، پس چون حدیثی از من نقل شد آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید. آنچه با کتاب خدا و سنت من موافق بود، بگیرید و آنچه را مخالف با آن دو بود، رها کنید. (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۴۹۰)

۶. ارتباط شیعیان با فرقه‌های انحرافی

راه‌های مختلفی برای ارتباط شیعیان با سران فرقه‌های دیگر بود. این مسئله طبیعی است که سران فرقه‌های دیگر نیز در بین پیروان خود نفوذ اجتماعی داشتند و هرگونه بی‌بصیرتی که سبب ایجاد ارتباط بین امامی مذهبیان و آنها می‌شد، می‌توانست جدایی آنها از مکتب اهل بیت علیهم السلام را به دنبال داشته باشد. از نمونه‌های این برخورد برابر واقفیه است. وقتی از امام جواد علیه السلام درباره خواندن نماز پشت سر واقفیان سؤال شد حضرت در پاسخ، شیعیان خود را از این کار نهی کرد. زیدیه یکی دیگر از فرقه‌های منشعب از شیعه بود که ائمه علیهم السلام به دلیل دشمنی و طعن این فرقه در دوران خاصی در برابر آنها موضع گرفتند. امام جواد علیه السلام در روایتی دو فرقه واقفیه و زیدیه را مصداق آیه «وجوه یومئذ خاشعه عامله ناصبه» دانست. ایشان با این بیان آنها را در شمار ناصبی‌ها آورد و شیعیان به‌خوبی می‌دانستند که برقراری هرگونه ارتباط اجتماعی و مذهبی با ناصبیان از نظر شرعی بر آنها حرام است. این برخورد امام علیه السلام در برابر فرقه مجسمه نیز دیده می‌شود،

چنانکه حضرت در مورد آنها به شیعیان فرمود: «اجازه ندارید در نماز به آنها اقتدا کنید و یا به آنها زکات دهید» (صدوق، ۱۴۰۴، ص ۱۰۱).

۷. مناطق فعال شیعیان امامی و سازمان وکالت

همان طور که از سخن شیخ طوسی برمی آید شیعیان امامی در سرتاسر سرزمین های اسلامی به طور متفرقه زندگی می کردند، اما بخش عمده شیعیان در عراق و در بخش هایی مانند بغداد و مدائن بودند البته گذشته از حضور چشم گیر امامیان در منطقه شرق اسلامی و شهرهایی مانند قم از برخی روایات استفاده می شود که شماری از شیعیان امامی در مصر نیز فعالیت داشتند. در روایتی از علی بن اسباط آمده است که او قامت امام جواد علیه السلام را به دقت نگاه کرد تا آن حضرت را برای اصحابش در مصر توصیف کند. منابع در این دوره کمتر به وضعیت و حضور شیعیان در مناطق مختلف اشاره کرده اند، پس با رجوع به روایات می توان به اطلاعاتی دست یافت. برای نمونه فردی از شیعیان خراسان خدمت امام علیه السلام رسید. قم از مراکز مهم شیعه بود و شیعیان ارتباط نزدیکی با حضرت داشتند. برای نمونه احمد بن محمد بن عیسی یا شیخ القمیین از اصحاب امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بود و حتی امام عسکری علیه السلام را درک کرده است. نیز صالح بن محمد بن سهل از دیگر اصحاب بود که در قم رسیدگی بر موقوفات را برعهده داشت. روابط بین ائمه علیهم السلام و شیعیان از زمان امام رضا علیه السلام رشد زیادی کرد و این گستردگی ارتباط بیش از هر چیز مدیون شبکه وکلای آن بزرگواران در مناطق مختلف بود. پس از محدودیت ها و کنترل های شدیدی که عباسیان برای امامان شیعه ایجاد کردند ائمه علیهم السلام با ابزار جدیدی با شیعیان خود ارتباط برقرار کردند. امام کاظم علیه السلام با تأسیس سازمان وکالت فعالیت شیعیان را هدایت می کرد. امام رضا علیه السلام نیز این تشکیلات منظم را حفظ کرد و از طرف خود در همه نقاط وکلایی گذاشت. این وکلا پس از شناخت امام جواد علیه السلام در ایام حج و پی بردن به حقانیت آن حضرت فعالیت خود را ادامه دادند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۹/۵۰)

آن حضرت در موارد متعددی از این طریق با شیعیان ارتباط داشت و علاوه بر پاسخ گویی به مسائل آنها مشکلات جامعه را حل کرد. برخی از مهمترین وکیلانی که نقش جدی در این عصر در رشد و تکامل مکتب امامی داشتند عبارت بودند از: علی بن مهزیار در اهواز، ابراهیم بن محمد همدانی در همدان، یحیی بن ابی عمران در ری، یونس بن عبدالرحمن و ابوعمر و حذاء در بصره، علی بن حسان واسطی در بغداد، علی بن اسباط در مصر، صفوان بن یحیی در کوفه، صالح بن محمد بن سهل و زکریا ابن آدم در قم. از اقدامات مهم امام این بود که به وکلای خود

اجازه داد تا درون دستگاه خلافت نفوذ کند و مناصب حساس حکومتی را در دست گیرد. برخی از کارگزاران امام علیه السلام نیز به عنوان حاکم شهرها منصوب شدند و همه امور را با دقت زیر نظر داشتند. در سال های پایانی زندگی امام جواد علیه السلام تشکیلات و فعالیت های وکلای ایشان بسیار توسعه یافت تا جایی که امام جواد علیه السلام به پیروان خود در خراسان که در جنگ خرمیه شرکت کرده بودند، دستور داد خمس را به صورت مستقیم و یا از طریق وکلایشان به وی بپردازند. براساس گزارش دیگر آن حضرت با شنیدن فرمان معتصم درباره احضارشان به بغداد از نماینده خود محمد بن فرج خواست تا خمس را به او بدهد. از ظاهر این روایات برمی آید که در دوره امام جواد علیه السلام برای نخستین بار چنین دستور صریحی برای گرفتن خمس از شیعیان و موارد هزینه آن تصریح شده است. خمس در این دوره یکی از مهمترین منابع مالی شیعه و ائمه بود و عامل مؤثری در تقویت بنیه های اقتصادی و توسعه تشیع شد. (پیشوایی، ۱۳۸۴، ص ۵۵۷)

۸. نتیجه گیری

در بررسی وضعیت شیعیان در زمان امام جواد علیه السلام این نتیجه به دست می آید که شیعیان عصر امام علیه السلام در مناطق مختلف پراکنده بودند و از جهات دینی، فرهنگی، سیاسی و غیره نقش های متفاوتی داشتند. در این وضعیت امام جواد علیه السلام نیز در حفظ شیعیان در مواضع حساس با مخاطبان مختلفی روبه رو شد. شواهد نشان می دهد که قوام شیعیان و دوام مکتب امامیه در گرو تحقق راهبردهای آن حضرت در این مقاطع حساس بوده است. همچنین ارتباط مداوم امام علیه السلام با شیعیان از راه های گوناگونی مانند مراسم حج تلاش حضرت برای جلوگیری از ضعیف شدن خط ارتباط با امامیان را روشن می کند. شیعیان در دوران امام جواد علیه السلام در مناطق مختلف جامعه اسلامی حضور داشتند و سیستم وکالت در آن دوره همچنان فعال بود و حتی رشد چشم گیری داشت.

فهرست منابع

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶). مناقب آل ابی طالب علیه السلام. نجف: مکتبه الحیدریه.
۲. ابن منظور (۱۴۱۶). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۵). مقالات الاسلامیین. بی جا: بی نا.
۴. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۱). حلیه الابراز. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۵. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۴). سیره پیشوایان. تهران: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۶. جعفریان، رسول (۱۳۸۱). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه. قم: مؤسسه انصاریان.
۷. حسین، جاسم (۱۳۶۷). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم. مترجم: آیت الهی، محمدتقی. تهران: امیرکبیر.
۸. شهرستانی، عبدالکریم (۱۴۱۵). الملل و النحل. بیروت: دارالمعرفه.
۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا. بیروت: مؤسسه اعلمی.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). اختیار معرفه الرجال. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۱. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷). آشنایی با فرق تشیع. قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹). زندگانی حضرت جواد علیه السلام و عسکریین علیهم السلام. مترجم: خسروی، موسی. تهران: اسلامیه.
۱۵. معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۱۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الارشاد. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۱۷. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۵۵). فرق الشیعه. نجف: مکتبه مرتضویه.
۱۸. نیشابوری، الفتال (بی تا). روضه الواعظین. قم: منشورات الشریف الرضی.